

نگاهی به آموزش زبان فارسی در دانشگاه منچستر

در گفتگو با دکتر ادموند هرزیگ

دکتر احمد خاتمی*

خاتمی: جناب آقای هرزیگ لطفاً مقداری درباره خودتان و زمینه مطالعاتی و آثاری که درباره ایران و تاریخ ایران تألیف کرده‌اید توضیح بفرمایید.

هرزیگ: من اول به ایران و ایرانشناسی و زبان و ادبیات فارسی علاقه پیدا کردم، وقتی که نسبتاً جوان بودم. البته در دبیرستان‌های انگلیس، زبان فارسی اصلاً تدریس نمی‌کنند ولی من در دبیرستان فرصت داشتم زبان فارسی را یاد بگیرم و شروع کردم به یاد گرفتن زبان روسی و بعد از آن می‌خواستم به یاد گرفتن زبان فارسی بپردازم و برای درجه لیسانس رفتم دانشگاه کمبریج و آنجا هم روسی و هم فارسی کم و بیش عمومی بود و آن موقع خیلی برای من جالب بود و از استادان کمبریج آن زمان آقای **پیتر ایوری** بود و همچنین آقای **دارک**، چند استاد ایرانی هم بودند که برای مدتی به دانشگاه کمبریج می‌آمدند و خیلی به ما کمک کردند.

خاتمی: اسامی این استادان را به خاطر دارید؟

هرزیگ: آقای وصال که استاد دانشگاه شیراز بود دو سال در کمبریج تدریس کرد، مخصوصاً برای زبان شفاهی درس‌های ایشان خیلی برای ما مفید بود. بعد از یک سال در دانشگاه پرینستون آمریکا تحصیل کردم و به انگلستان برگشتم و برای دکترا در دانشگاه آکسفورد بودم و در آنجا از رساله دکتری خود دفاع کردم. موضوع رساله دکتری من تاریخ ایران در زمان صفویه و مخصوصاً نقش تجار ارامنه در تجارت و اقتصاد و سیاست دولت صفوی بود

اشاره

دکتر ادموند هرزیگ، مستشرق و ایران‌شناس برجسته انگلیسی، سال‌ها به تحقیق درباره ایران و تدریس تاریخ و ادبیات فارسی در دانشگاه منچستر (Manchester) انگلستان اشتغال داشته است. او که اکنون به فعالیت‌های علمی خود در دانشگاه آکسفورد (Oxford) مشغول است، در چند سال اخیر مدیریت بخش شرق‌شناسی دانشگاه منچستر را - که گروه‌های آموزشی متعددی از جمله گروه آموزشی زبان فارسی را در بر می‌گیرد - بر عهده داشته است.

گروه فارسی دانشگاه منچستر هنوز هم از گروه‌های فعال آموزش زبان فارسی در کشور انگلستان به شمار می‌رود و تا مقطع دکتری دانشجو دارد.

دکتر هرزیگ، طی مدتی که برای گذراندن فرصت مطالعاتی در کمبریج بودم، با صمیمیتی تمام دو بار از من برای گفت‌وگو و دیدار از دانشگاه منچستر، به ویژه کتابخانه و نسخه‌های خطی آن دعوت کرد. از آن دو سفر کوتاه و گذرا، خاطراتی بلند و ماندگار برایم به جای مانده است که شاید در وقتی دیگر و جایی دیگر به آنها بپردازم.

آنچه در پی می‌خوانید، گفت‌وگویی است که در روز پنجم می سال ۲۰۰۶، با دکتر هرزیگ در دفتر کار ایشان در دانشگاه منچستر انجام شده است.

که موضوعی است که هم در آن زمان که حدوداً بیست سال پیش بود و نیز همین حالا هنوز برای من بسیار جالب است و باز هم سعی می‌کنم تا در مورد منابع فارسی و ارمنی آن زمان بیشتر کار کنم. در مورد آن سؤال‌هایی که در رسالهٔ دکتری راجع به آنها صحبت کرده‌ام نتیجه‌های مفیدی به دست آوردم. به طور کلی من هنوز تاریخ ایران صفوی را خیلی دوست دارم، فکر می‌کنم که این عصر در تاریخ ایران و خاورمیانه عصر بسیار مهمی است، برای اینکه در قرن‌های پیش از دورهٔ صفوی، نقش خاورمیانه با نقش امروز خیلی فرق داشت و نمی‌شود آن دو را با هم مقایسه کرد. در آن دوره ایران به عنوان یک کشور مستقل و جدا اصلاً وجود نداشت. در زمان تیمورخان و زمان سلطنت خاندان‌های ترکان قراقویونلو و آق‌قویونلو ایران بیشتر به دو قسمت تقسیم شده بود؛ شرق خراسان و افغانستان و ماوراءالنهر زیر سلطهٔ تیموریان بود و غرب ایران یعنی آذربایجان و ناحیه‌هایی که شرق ترکیه و شمال عراق و سوریه هستند، سرزمین خاندان‌های ترکمان بود و فقط در زمان صفوی‌ها بود که ایران - که کم و بیش شبیه ایران امروز بود - کم‌کم نمایان شد و شکل گرفت و به عنوان کشوری واحد که از کشورهای عرب و ترک و کشورهای ناحیه‌های آسیای مرکزی و افغانستان و همسایه‌های دیگر جدا گردید، نه فقط سرزمین و سرحدی بود میان دو کشور بلکه هویت مستقلی داشت و فکر می‌کنم که این مسئله دلایل مختلفی دارد؛ یکی از آن دلایل رسمی شدن مذهب شیعه

است. در آن زمان، به اصطلاح دولت صفوی دین رسمی شد، دیگر اینکه ایران به عنوان کشوری که هویتی مستقل دارد در آن زمان کم‌کم به وجود آمد مثلاً وقتی که راجع به جنگ‌های صفوی‌ها با عثمانی‌ها و خاندان‌ها و همسایه‌های دیگر می‌خوانیم، می‌بینیم که با آنکه در آن زمان ما هنوز نمی‌توانیم ایران را به صورت یک کشور مدرن ببینیم ولی باز هم اولین نشانه‌های دولتی را مشاهده می‌کنیم، همچنین برای من همیشه جالب بوده که ایران معاصر از کجا به وجود آمده و نقش دورهٔ صفویه در ایجاد ایران معاصر چه بوده است؟

خاتمی: آقای دکتر من قبل از این‌که سؤالات دیگر را مطرح کنم، می‌خواستم بدانم انگیزهٔ تمایل شما به زبان فارسی، ایران و ایران‌شناسی چه بوده است؟

هرزیگ: من وقتی جوان بودم به طور کلی به کشورهای شرقی علاقه داشتم و درباره تاریخ کشورهای آسیا و فرهنگ مردم کشورهای آسیایی، مثل چین و هند و سایر نقاط بسیار مطالعه می‌کردم، ولی بالاخره علاقه‌ام بیشتر به ایران جلب شد و آن وقت دربارهٔ تاریخ یونان باستان هم بسیار مطالعه می‌کردم و به آن علاقه داشتم؛ البته به آثار نویسندگان یونانی که راجع به ایران خصوصاً ایران باستان نوشته بودند بسیار علاقه داشتم و برای من بسیار جالب بود و فکر می‌کنم که تأثیر این نویسندگان یونانی که در علاقه‌مندی من به ایران بسیار زیاد بود و شماری از سفرنامه‌های دورهٔ صفوی



دکتر هرزیگ:

به طور کلی وضعیت زبان فارسی در دانشگاه منچستر بد نیست
تنها مشکل جدی که ما داریم این است که هنوز تعداد دانشجویان کم است و
در آن سیستم آموزش عالی که در این کشور داریم و در واقع
بیشتر به بازار آموزش عالی شبیه است اگر تعداد دانشجویان کم باشد
البته آینده هر رشته به خطر می افتد.

کند، البته این در فهمیدن تاریخ تشیع در ایران عامل مهمی است ولی تشخیص اینکه عامل اصلی شیعه شدن ایرانی‌ها چیست کار بسیار مشکلی است. ما می‌دانیم که منابع تاریخی اطلاعات زیادی در این مورد به ما نمی‌دهند. به طور کلی تاریخ مذهبی صفویان، تاریخ بسیار عجیبی است، طریقه آنها در ابتدا طریقه تصوف بود، آنها در آغاز اهل سنت بودند و بعداً شیخ جنید و شیخ حیدر میان ترکمانان آناطولی رفتند و اگرچه ما راجع به افکار دینی آنها چیز زیادی نمی‌دانیم اما به اصطلاح آن زمان تفکر آنها نزدیک به تشیع غلات بود و شاه اسماعیل صفوی در جوانی به این نوع تشیع نزدیک بود ولی همین که شاه شد و در تبریز به سلطنت رسید تشیع اثناعشری را به عنوان دین رسمی سلطنت جدید صفوی انتخاب کرد که البته این انتخاب عجیبی است برای اینکه نه به سابقه صوفی‌گرایی خاندان صفویه نزدیک بود و نه به تشیع غلات ترکمانان ولی به هر حال آنچه واضح است این است که بعد از چند دهه مردم ایران به تشیع خیلی نزدیک شدند و در جنگ‌ها و به طور کلی روابط بین‌الملل دولت صفوی این عامل مذهبی عامل مهمی شد مثلاً در روابطی که با سلاطین شیعی هند در آن زمان برقرار کرده بودند و نیز روابطی که با عثمانی‌ها و با خاندان شیبانی آسیای مرکزی، ازبک‌ها و همچنین خاندان مغول یعنی تیموریان هند داشتند عوامل مذهبی نقش مهمی داشت. البته فهمیدن آنچه در تاریخ قدیم پیش آمده همیشه مشکل است و منابعی که ما در اختیار داریم نمی‌توانند پاسخ کامل و درستی به ما بدهند ولی فکر می‌کنم خواندن این منابع و کوشش برای فهمیدن آنها می‌تواند بسیار سودمند باشد.

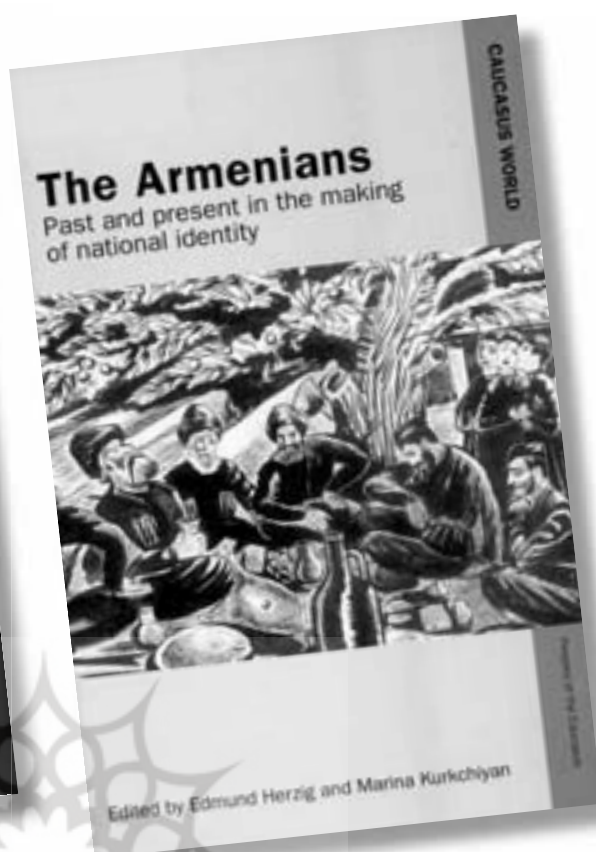
خاتمی: نتیجه‌ای که من از این بخش از صحبت شما می‌گیرم این است که ما نمی‌توانیم تأثیر عوامل سیاسی را در پیدایش تشیع به صراحت بپذیریم یعنی بگوییم که تشیع، مذهبی برخاسته از انگیزه‌های سیاسی است اما می‌توانیم بگوییم که تشیع باعث قوام سیاسی ایران شد؛ یعنی آن اتحاد ملی و هویت مستقل و مشخص ایرانی در برابر دولت مقتدر عثمانی را تشیع برای ایران به ارمغان آورده است؛ آیا به نظر شما این حرف صحیح است؟

هرزیگ: بله من هم همینطور فکر می‌کنم. البته عوامل سیاسی ممکن است برای برخی از مردم ایران و برای خود خاندان صفوی عامل مؤثری بوده باشد ولی فکر می‌کنم خیلی مشکل است

و قرن نوزدهم را هم خوانده بودم و آن قسمت‌هایی که راجع به ایران نوشته بودند خیلی برای من جالب بود. یعنی سفرنامه‌های کسانی مثل شاردن، پیترو، دراوولی و کسان دیگر که بیشتر آنها هم راجع به امپراطوری عثمانی و هم راجع به ایران می‌نوشتند اما آن قسمت‌هایی که راجع به ایران نوشته بودند خیلی برای من جالب بود، دیگر اینکه من مثل تعداد زیادی از انگلیسی‌ها نه این که شعر فارسی را خوب می‌دانستم ولی مثلاً اشعار عمر خیام را در ترجمه معروف فیتز جرالد خوانده بودم و نیز داستان رستم و سهراب را در یک شعر معروف انگلیسی قرن نوزدهم که نویسنده آن بیشتر از فیتز جرالد به عنوان یک شاعر انگلیسی شهرت یافته است، خوانده بودم. این شاعر شعر رستم و سهراب را ترجمه کرده بود که ترجمه آن ترجمه چندان دقیقی نیست ولی از آنجا که این شعر شعر فوق‌العاده زیبایی بود، او توانست مزه این شعر را به خوانندگان انگلیسی بچشاند. او زبان فارسی را نمی‌دانست و ترجمه فرانسوی این شعر را خوانده بود و از روی آن ترجمه فرانسوی این شعر را به انگلیسی ترجمه کرده بود. بنابراین این چیزها باعث شد که کم‌کم علاقه‌ام به ادبیات فارسی بیشتر شود و بالاخره تصمیم گرفتم که از میان همه کشورهای آسیایی و زبان‌های آسیایی به ایران بروم و زبان فارسی را بیاموزم.

خاتمی: شما در بحث اول خود درباره دوره صفویه و این که ایران در دوره صفویه به صورت قدرتی مقتدر و مستقل در منطقه مطرح بود صحبت کردید و به عاملی اشاره کردید اما سریع از آن گذشتید؛ البته شاید هم اینجا جای بحث آن نیست و آن بحث تشیع بود، با توجه به اینکه عثمانی‌ها به عنوان یک قدرت مرکزی اهل سنت در منطقه مطرح بودند، آیا تشیع می‌توانست عامل ثبات و قدرت ایران و دولت صفویه - که تئوری تشیع در ایران شکل گرفته بود - در برابر نیروی اهل سنت باشد و آیا این به نظر شما پذیرفتنی است؟

هرزیگ: بله فکر می‌کنم که همیشه هویت یک کشور و مردم یک کشور و حتی یک فرد مربوط به مردم، کشور و افراد همسایه است یعنی هویت ما، ما را از دیگران متمایز و مشخص می‌کند و چون در این دوره دولت عثمانی قوی‌ترین دولت آن زمان در خاورمیانه بود و در اروپا هم قدرت بزرگی بود برای دولت جدید صفوی خیلی مهم بود که خودش را از آنها متمایز و مشخص



اینکه دو استاد مطالعات زبان فارسی - که هم زبان فارسی و هم ادبیات فارسی و هم تاریخ ایران را شامل می‌شود - به تدریس این مباحث می‌پردازند و به جز این دو استاد ما یک مدرس زبان فارسی داریم که ایرانی است و بیشتر مسئولیت کلاس و تدریس زبان فارسی به عهده این یک نفر است، یکی از دانشجویان دوره PHD نیز از دانشگاه به او کمک می‌کند و زبان فارسی را تدریس می‌کند. از نظر منابع آموزشی هم وضعیت دانشگاه خیلی بهتر شده است، ما الان رشته‌ای در یکی از مکاتب زبان‌شناسی و فرهنگ‌ها داریم.

در همان دانشکده و همانجا زبان‌های اروپائی هم تدریس می‌شود. از منابع مختلف هم استفاده می‌شود، مثلاً ما در دانشگاه یک مرکز زبان (language center) بسیار عالی داریم که برای همه دانشجویان زبان در دانشگاه منچستر مفید است، از نظر کتاب و موارد دیگر هم فکر می‌کنم که وضعیت خیلی بهتر شده است. ما الان با آن استادها و آن مراکزی که مشغول تدریس زبان فارسی هستند در خود ایران هم ارتباطات خیلی بهتری داریم که برای کار ما خیلی فایده دارد. به طور کلی وضعیت زبان فارسی در دانشگاه منچستر بد نیست تنها مشکل جدی که ما داریم این است که هنوز تعداد دانشجویان کم است و در آن سیستم آموزش عالی که ما در این کشور داریم و در واقع بیشتر به بازار آموزش عالی شبیه است، اگر تعداد دانشجویان کم باشد آینده هر رشته به خطر

باور کرد که برای عموم مردم ایران که در سیاست چندان نقشی نداشتند این عامل، عامل مهمی باشد. مثلاً ما می‌دانیم که وقتی شاه اسماعیل دوم یا در قرن هجده میلادی نادر شاه می‌خواستند یا سعی می‌کردند مردم ایران را به دین سنی بازگردانند، موفق نشدند.

خاتمی: روحیه ایرانیان از سابق هم با تشیع نزدیکی بیشتری داشته است، برخی از مناطق ایران، همانطور که می‌دانید از سابق شیعه بودند و برخی حکومت‌ها مثل آل بویه و از این دست هم به عنوان حکومت‌های شیعه مطرح بودند، ظاهراً در بین تیموریان هم تمایل به تشیع تقویت شده بود. زمینه‌های عمومی آن هم در کشور فراهم شده بود.

خوب آقای دکتر هرزیگ الان جناب‌عالی مسئولیت‌هایی در دانشگاه منچستر دارید و بر رشته زبان و ادبیات فارسی هم نظارت می‌کنید. اگر ممکن است درباره وضع فعلی زبان فارسی در دانشگاه منچستر توضیحی بفرمایید.

هرزیگ: وضعیت زبان فارسی در دانشگاه منچستر الان در مقایسه با ده یا پانزده سال پیش که من تازه به اینجا آمده بودم خوب است، آن وقت من به تنهایی در این زمینه کار می‌کردم و فقط یکی از دانشجویان ایرانی که می‌توانست با دانشجویان زبان شفاهی را تمرین کند، به من کمک می‌کرد. وضعیت زبان فارسی زیاد محکم نبود، الان وضعیت خیلی بهتر است برای

دکتر هرزیگ:

الان ارزشیابی سبک هندی تغییر کرده است و ما بیشتر به کیفیت‌های مخصوص سبک هندی توجه می‌کنیم. ولی باید اعتراف کنم که هم برای خود من و هم برای دانشجویان شعر سبک هندی واقعاً مشکلات مخصوصی دارد و آن استفاده از واژگان کمیاب و انواع تشبیهات و کنایات است و برای کسی که زبان و ادبیات فارسی را خوب نمی‌داند، درک آن مشکل است.

ایران و زبانشناسی بدهیم.

خاتمی: آقای دکتر به نظر شما دولت ایران به عنوان متولی و سرپرست زبان فارسی چه وظایفی را باید انجام دهد مثلاً ممکن است که دولت فرانسه برای یک دانشجوی فرانسه در کشور، هزینه‌های خاصی صرف کند تا دانشجوی فرانسوی بیشتر باشد، ممکن است بعضی از کشورهای عربی برای زبان عربی کمک‌هایی به دپارتمان‌های گروه‌های آموزشی بکنند. آیا دولت ایران به عنوان متولی این رشته لازم است که وظایفی را به انجام رساند و اگر لازم است آنها را شما در چه چیزهایی می‌بینید؟

هرزیگ: البته دولت ایران در این زمینه به ما کمک می‌کند. ما از کوشش‌های دولت ایران استفاده می‌کنیم. مثلاً در سال‌های اخیر کتاب‌های درسی جدید در ایران چاپ شده که مرکز گسترش زبان فارسی به این کار کمک کرده است، البته واقعیت این است که همیشه فرصت‌های بیشتری برای همکاری وجود دارد، مسئله شهریه دانشگاهی الان برای دانشجویان ما مسئله خیلی مهمی شده است و ما همیشه به دنبال راه‌هایی هستیم که هم به دانشجویان دوره لیسانس و هم به دانشجویان فوق لیسانس و PHD یاری رسانیم و حتی الامکان وسایل مورد نیاز آنها را فراهم کنیم و همچنین در چند رشته سعی کرده‌ایم که از سازمان‌های دولتی یا صنفی کمکی به دست آوریم و فکر می‌کنم اگر ما می‌توانستیم برای مطالعات فارسی هم چنین کاری را انجام دهیم این کار بسیار مفید واقع می‌شد مثلاً اگر می‌توانستیم بورس بدهیم بسیار خوب بود، به این صورت که دانشگاه یک قسمت از بورس را می‌داد و سازمانی دیگر قسمت دیگری از بورس را.

خاتمی: بنابراین شاید کاربردی‌ترین و مفیدترین کمکی که دولت ایران می‌تواند بکند این است که شرایطی فراهم کند که دانشجویان مستعد و با استعداد را بورس کند.

هرزیگ: بله، این امر می‌تواند بسیار مفید باشد برای این که اگر مثلاً دولت ایران و یا دولت انگلستان همانطور که برای مدرس منابع مالی فراهم می‌کنند برای دانشجویان هم این کار را بکنند بسیار سودمند خواهد بود. واقعیت این است که اگر تعداد دانشجو بیشتر شود قدرت گروه هم بیشتر می‌شود و ما می‌توانیم برای حقوق مدرسین منابع مالی بیشتری فراهم کنیم یعنی اگر تعداد دانشجویان بیشتر شود کار نیز آسان‌تر می‌شود.

می‌افتد. دانشگاه ما و حکومت انگلستان البته می‌دانند که زبان فارسی زبان مهمی است و کشور ایران کشور بسیار مهمی در منطقه و در دنیاست، از این رو با وجود این که تعداد دانشجویان زیاد نیست، اما باز هم اهمیت کار شناخته می‌شود و از بین نمی‌رود. البته برای یک استاد همیشه جای حیف و افسوس است اگر علاقه دانشجویان به موضوع یا رشته‌ای که او تدریس می‌کند کم باشد، پس همیشه ما سعی می‌کنیم دانشجویان بیشتری را به زبان فارسی جذب کنیم. متأسفانه بیشتر دانشجویان انگلیسی به ادبیات کلاسیک و قدیمی و به تاریخ قرون وسطی و قدیمی علاقه کمتری دارند و می‌خواهند که مطالعاتشان بیشتر راجع به زمان معاصر باشد، ادبیات معاصر، فیلم و مسائل اجتماعی امروز در برنامه تحصیلشان گنجانده شود و با آنکه ما می‌خواهیم سنت و سابقه مطالعات ایرانشناسی را در کشور خود ادامه دهیم، سعی می‌کنیم به این علاقه دانشجویان نیز توجه داشته باشیم و به همین دلیل است که برنامه درسی دانشگاه منچستر امروز با آن برنامه‌ای که مثلاً من وقتی دانشجو بودم مطابق با آن پیش رفته‌ام خیلی فرق دارد و این برنامه خیلی معاصرتر است.

خاتمی: آقای دکتر به نظر شما چه باید کرد تا علاقه دانشجویان به رشته زبان و ادبیات فارسی بیشتر شود و این رشته داوطلبان بیشتری داشته باشد؟

هرزیگ: مشکل اصلی ما الان این است که دانشجویان قبل از آن که به دانشگاه بیایند اطلاعات راجع به ایران بسیار کم است و همچنین ما می‌بینیم که تعداد دانشجویان زبان عربی خیلی بیشتر است برای این که مثلاً مسلمانان انگلستان همه می‌دانند که زبان عربی زبان قرآن مقدس است و بدین دلیل می‌خواهند عربی را بخوانند ولی دانشجویان مدرسه و دبیرستان راجع به ایران و زبان و ادبیات فارسی عموماً چیزی نمی‌دانند و یا این که خیلی کم می‌دانند. اطلاعات آنها از تاریخ ایران و شعرای بزرگ زبان فارسی بسیار کم است و بنابراین مطالعات ایرانشناسی و زبان فارسی را برای تحصیلات دانشگاهی خود انتخاب نمی‌کنند. کوشش ما این است که اطلاعات بیشتری به آنها بدهیم راجع به این که ایران کجاست، چگونه کشوری است، چه تاریخی دارد، فرهنگ ایران زمین چه بوده است و... البته برای این کار ما سعی می‌کنیم به دبیرستان‌ها برویم و با دانشجویان صحبت کنیم و به آنها اطلاعاتی راجع به

خاتمی: به نظر می‌آید که در جهت این کمک علاوه بر آن بورس، کار دیگری هم که دولت می‌تواند بکند و مؤثر هم خواهد بود این است که دانشجویان خارجی را به صورت رایگان برای آموزش به ایران ببرد. مثلاً برای شش ماه یا یک سال؛ آیا هم‌اکنون چنین شرایطی وجود دارد؟

هرزیگ: بله، دانشجویان ما اگر فقط یک زبان بخوانند و آن یک زبان، زبان فارسی باشد، آنها برای تحصیل به ایران می‌روند، آنجا می‌مانند و یا در یکی از دانشگاه‌های ایران تحصیل می‌کنند.

خاتمی: آیا هزینه آنها را دولت ایران تأمین می‌کند؟

هرزیگ: نه، قسمتی از هزینه آن را دانشگاه انگلیس و قسمت دیگر را خود دانشجویان تأمین می‌کنند.

خاتمی: البته پیشنهاد من این است که دولت این کار را بکند، یعنی این که هزینه را تأمین کند. گمان می‌کنم که این خود سبب ایجاد انگیزه در بین دانشجویان می‌شود.

هرزیگ: البته لازم نیست که تمام هزینه را دولت ایران تأمین کند بلکه دولت ایران می‌تواند بخشی از هزینه را مثلاً شهریه دانشگاهی یا بلیط هواپیما را تأمین کند.

خاتمی: به نظرم یک راه دیگر هم این است که بین دانشگاه‌ها با ایران مبادله استاد صورت گیرد. الان دولت ایران برای بسیاری از کرسی‌های زبان فارسی مدرّس اعزام می‌کند، یعنی دانشگاه درخواست می‌کند و یک استاد با هزینه دولت ایران به دانشگاهی می‌رود و در آنجا زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌کند. نمی‌دانم آیا شما درخواستی در این زمینه داده‌اید و از دولت ایران خواسته‌اید که به طور موقت مثلاً به صورت یک سال یا دو سال استادی بیاید و در اینجا تدریس کند مانند آقای دکتر وصال که به کمبریج آمده بود و در آنجا تدریس می‌کرد.

هرزیگ: تا به حال ما تجربه این نوع همکاری را نداشته‌ایم اما این همکاری می‌تواند برای ما مفید باشد. البته ما در این دانشگاه برای برخی رشته‌ها مثلاً زبان چینی ترتیبی داریم که با ترتیبی که ذکر کردید کمی فرق دارد، به این صورت که دولت چین تا جایی که بنده اطلاع دارم، نصف مخارج یکی از مدرسین زبان چینی را می‌پردازد و دانشگاه منجستر نصف دیگر آن را می‌پردازد و هر دو مدل ممکن است خوب باشد.

خاتمی: البته در ایران اعزام استاد به صورت رایگان به

کشورهای دیگر رایج است. وزارت علوم به کشورهایی که نیاز به استاد فارسی زبان دارند استاد اعزام می‌کند و به هر حال ما امیدواریم که این مشکلات حل شود.

آقای دکتر آیا درباره ادبیات دوره صفویه هم که حوزه مطالعاتی و تحقیقی شماست تحقیقی انجام داده‌اید؟ مقصودم ادبیات در دوره صفویه است.

هرزیگ: خیر، بررسی‌های من بیشتر راجع به تاریخ است و با آن که ادبیات را با لذت می‌خوانم و تدریس می‌کنم ولی خودم را متخصص ادبیات فارسی نمی‌شمارم و این بیشتر علاقه شخصی خود من است.

خاتمی: در محدوده همین علاقه شخصی چه نظری درباره ادبیات دوره صفویه به خصوص شعر دوره صفویه که به سبک هندی مشهور است دارید؟

هرزیگ: ما وقتی که دانشجو بودیم، سبک هندی را اصلاً مورد مطالعه قرار نمی‌دادیم برای اینکه در آن زمان ارزش سبک هندی پایین بود و یادم هست که استادان ما بیشترشان معتقد بودند که بعد از حافظ سطح ادبیات فارسی پایین رفته و تا قرن نوزدهم چیز مهمی وجود نداشته است، البته نه اینکه هیچ چیز مهمی وجود نداشته ولی به طور کلی معتقد بودند که دانشجویان اگر بخواهند از تمام دنیای شعر فارسی فقط چند شاعر را انتخاب کنند، نیازی به انتخاب نمایندگان سبک هندی نیست. اما فکر می‌کنم که الان ارزشیابی سبک هندی تغییر کرده است و ما بیشتر به کیفیت‌های مخصوص سبک هندی توجه می‌کنیم. ولی باید اعتراف کنم که هم برای خود من و هم برای دانشجویان، شعر سبک هندی واقعاً مشکلات مخصوصی دارد و آن استفاده از واژگان کمیاب و انواع تشبیهات و کنایات است و برای کسی که زبان و ادبیات فارسی را خوب نمی‌داند، درک آن مشکل است. مراجعه به لغت‌نامه در این مورد زیاد کارساز نیست و کمکی به ما نمی‌کند، بنابراین وقتی که ما ادبیات فارسی را در اینجا تدریس می‌کنیم دانشجویان ما به شاعران بزرگ کلاسیک زبان فارسی یعنی فردوسی و سعدی و عطار و مولانا جلال‌الدین رومی علاقه نشان می‌دهند در حالی که به شاعران سبک هندی کمتر توجه می‌کنند.

خاتمی: و شاید علتش این است که همانطور که فرمودید فهم این اشعار برای آنها مشکل است و بنابراین از آن لذت نمی‌برند و به



همین دلیل نمی‌توان توقع داشت که شاعری را که شعرش را نمی‌تواند بخواند و نمی‌تواند بفهمد، مورد توجه قرار بدهند و از اشعار او لذت ببرند و آن را دوست بدارند. در این دوره یعنی دوره صفوی ارتباط ایران و هند ارتباط کاملاً مشخصی است، شما به عنوان یک ایران‌شناس که در زمینه‌های

بنابراین فکر می‌کنم که در این زمان، ثبات این دو کشور بزرگ سبب نزدیکی آنها به یکدیگر در زمینه‌های مختلف گردید، هم در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و هم در زمینه‌های فرهنگی.

خاتمی: به نظر می‌آید که اشتراک زبانی هم - چون زبان فارسی در هند هم رایج بوده - آن زمان به این قضیه بسیار کمک کرده است.

هرزیگ: البته زبانی که در درگاه‌های هند استفاده می‌کردند با زبانی که صفویان استفاده می‌کردند رابطه‌ای نداشت و این رابطه بیشتر میان آنها با تیموریان بود.

خاتمی: در زمینه‌های دیگر هم شما ظاهراً تحقیقاتی دارید، گویا در زمینه ارامنه ایران هم تحقیق کرده‌اید. اگر ممکن است مختصری هم درباره این تحقیق صحبت بفرمایید.

هرزیگ: من به تاریخ اجتماعی و اقتصادی همیشه علاقه داشتم و وقتی می‌خواستم رساله دکتری خودم را بنویسم سعی کردم موضوع جالبی پیدا کنم، به طوری که برای آن موضوع منابع مناسبی در دسترس باشد و نیز این مسأله هم برای من مهم بود که تا قبل از آن هیچ‌کس درباره آن موضوع کار نکرده و راجع به آن چیزی نوشته باشد. در اوایل دهه هشتاد که روابط سیاسی انگلستان و ایران خوب نبود و ما در روابط دوجانبه میان دو کشور مشکلات زیادی داشتیم، برای من ممکن نبود که جهت بررسی‌های تاریخی برای مدت طولانی به ایران بروم. در آن زمان روابط میان دو کشور رابطه فرهنگی و علمی نبود و آن فرصت‌هایی که ما الان داریم در آن زمان وجود نداشت. و چون من راضی نبودم که برای مدت طولانی در کتابخانه آکسفورد بنشینم و فرصت سفر و دیدن دنیا را نداشته باشم، فهمیدم که در کشورهایی که قبلاً با ایران

تاریخی کار کرده‌اید علت این نزدیکی و دوستی دوستانه و چند ساله ایران و هند در دوره صفویه را به چه عواملی مربوط می‌دانید؟ آیا این عوامل، عوامل سیاسی و فرهنگی است یا اینکه عوامل دیگری هم در این زمینه دخالت دارد؟

هرزیگ: فکر می‌کنم که مهم‌ترین عوامل همان عوامل فرهنگی و اجتماعی است، البته هند در آن زمان شامل یک دولت و یک حکومت نبود و در قرن شانزدهم میلادی دولت صفویه بیشتر به پادشاهان شیعی دکن نزدیک بود و روابط سیاسی صفویان با خاندان مغول در هند، رابطه خوبی نبود و چندین بار هم این دو دولت با یکدیگر برخورد داشتند. قندهار تمام این دوستانه سال، مقری بزرگ بود ولی با وجود این مشکلات باز هم حرکت شاعران و متفکران از هند به ایران و خصوصاً از ایران به هند بسیار زیاد بود و با قرن‌های قبل از دوره صفوی قابل مقایسه نبود. این رشد روابط فرهنگی و اجتماعی با رشد روابط تجاری ارتباطی تنگاتنگ داشت. ما می‌دانیم که در این زمان وقتی که هم ایران و هم هند، ثبات سیاسی پیدا کردند و این ثبات برای مدتی نسبتاً طولانی ادامه یافت، این فرصتی بود که تجارت هم از راه زمینی و هم از راه دریایی رشد یابد و همچنین در ایران از فراورده‌های هندی بسیار استفاده می‌کردند، مخصوصاً از پارچه‌های مختلف هندی، در هند هم از صادرات ایرانی بسیار استفاده می‌شد، پول نقد بسیاری هم در آن زمان از ایران به هند رفت و این مبادله تجاری و فرهنگی باعث شد که دیدگاه‌های نخبگان دو دولت بسیار به هم نزدیک شود و سلیقه هندی‌ها در این زمان به سلیقه نخبگان صفوی بسیار نزدیک شد، مثلاً نقاشی که در اصفهان کار می‌کرد اگر به آگرا یا شاه جهان آباد می‌رفت، به راحتی در آنجا کار می‌کرد، شاعران هم همینطور.

روابط نزدیکی داشتند و یا قسمت‌هایی از ایران زمین عصرهای تاریخی بودند ممکن است بتوانم منابعی پیدا کنم و با همکاران خود در دانشگاه‌های مختلف تماس گرفتم و بالاخره معلوم شد که در ارمنستان هم - که البته در آن وقت هنوز یکی از جمهوری‌های شوروی بود - منابع مهمی وجود دارد و در آنجا استادانی هستند که هم زبان فارسی را خوب می‌دانند و هم تاریخ ارمنستان و ایران را و به همین دلیل من به مدت یک سال به ارمنستان شوروی رفتم و در ایروان کار کردم و استادم در آنجا مرحوم هکوپاپازیان بود که کارهای بسیار جالب و مهمی راجع به تاریخ ایران و تاریخ ارمنستان انجام داده بود و شماری از اسناد فارسی را هم تهیه کرده بود و در آرشیو ارمنستان نگهداری می‌کرد، او هم در این زمینه کمک‌های بسیاری به من کرد و من فهمیدم که منابع ارمنی این زبان واقعاً منابع جالبی است و آن سندهایی که از زمان صفوی باقی‌مانده نه فقط برای ایران بلکه تقریباً برای تمام خاورمیانه منحصر به فرد است، بعد از آن هم شماری از سندهای عبری را در قاهره به دست آوردم که از تجار زمان خلافت فاطمیان به ما رسیده بود و بعد از آن هم هیچ سند تجاری ندیدم که با این اسناد ارمنی قابل مقایسه باشد. این اسناد اگرچه به ما اطلاعاتی راجع به قانون تجاری یا مسائل عمومی نمی‌دهد ولی خیلی دقیق نشان می‌دهد که یک تاجر چگونه روز به روز کارش را توسعه می‌داد. اگر پول لازم داشت از چه کسی و با چه شرایطی و با چه سندی می‌گرفت، اگر مثلاً در یک شرکت با تاجر دیگری مشارکت داشت قراردادی که بین هم امضا می‌کردند چگونه بود. از این نوع اسناد نمونه‌های زیادی باقی مانده است، در حالی که برای تجار ایرانی آن زمان ما چنین اسنادی در دست نداریم. البته ممکن است وجود داشته باشد ولی تا به حال به دست نیامده است ولی به هر حال معلوم می‌شود که تجارت تجار ارمنی آن زمان به تجارت تجار ایرانی بسیار نزدیک بوده است و نکته‌ای که برای من بسیار جالب بود این بود که تجار ارمنی مسیحی بودند و تجار ایرانی مسلمان تقریباً در تمام قراردادهای و عهدها و طرز نوشتن حساب و موارد دیگر شبیه یکدیگر عمل می‌کردند به طوری که در چند تا از این اسناد می‌گویند که ما از سیستم تجاری ایرانی‌ها استفاده کرده‌ایم. پس نتیجه‌گیری از این اسناد نه فقط برای ارمنستان یا تجارت ارمنی حائز اهمیت است، بلکه برای تاریخ تجارت در منطقه هم مهم است. من در رساله

دکتری خود بیشتر از این اسناد استفاده کردم، البته از اطلاعات اروپایی‌هایی که به ایران رفت و آمد می‌کردند و سفرنامه می‌نوشتند و نیز از تاریخ‌های فارسی آن زمان مثلاً تاریخ عالم‌آرای عباسی و تاریخ‌های دیگری که در عصر صفوی نوشته شده بود هم بسیار استفاده کردم اما قسمت اصلی اطلاعات از همین اسناد ارمنی بود.

خاتمی: آیا محققان و مستشرقان دیگری هم در انگلستان بوده‌اند که راجع به دوره صفویه کار کرده باشند؟

هرزیگ: بله، یکی از آنها دکتر **جان گری** استاد من در دانشگاه آکسفورد بود که ایشان نه فقط درباره دوره صفویه بلکه به طور کلی در مورد تاریخ ایران خصوصاً زمان قاجار و مشروطه و نیز زمان معاصر بسیار کار کرده‌اند. ایشان بسیار به من کمک کرده‌اند و من بسیار از ایشان سپاسگزارم.

دیگری دکتر **فریر** بود که رساله دکتری ایشان راجع به عصر صفوی بود. دکتر فریر در مورد شرکت تجاری هندوستان شرقی انگلیس هم مطالبی نوشته بود و در واقع اولین کسی بود که از اسناد انگلیسی که هنوز در آرشیو لندن هست استفاده کرده بود. ایشان هم به من بسیار کمک کردند و اطلاعات زیادی در اختیار من گذاشتند، مثلاً گفتند که در شهر ونیز مجموعه‌ای از اسناد ارمنی وجود دارد که من خودم از آن بی‌خبر بودم و آرشیو شهر ونیز برای من بسیار مفید بود، البته آقای فریر بعدها حوزه مطالعاتی و اطلاعاتی خود را از زمان صفوی به زمان معاصر تغییر داد و تاریخ شرکت نفت را نوشت و برای چند سال در آرشیو **British Petroliom** کار کرد و تاریخ دو جلدی درباره **British Petroliom** نوشت که اثر بسیار ارزشمندی است.

همچنین آقای **لارنس لوکات**، که بیشتر در دهه پنجاه کار کرده است. وی راجع به دوره صفوی، و درباره فروپاشی دولت صفویه کتاب بسیار خوبی نوشته بود، و بعدها هم کتابی راجع به نادرشاه نوشت. البته اخیراً ایشان منابع جدید و اثرهای علمی دیگری را به کار خود اضافه کرده‌اند. به هر حال کتاب‌هایی که آقای لوکات نوشته‌اند بسیار مفید است و ما بسیار از آن استفاده می‌کنیم.

خاتمی: سپاسگزارم از فرصتی که در اختیار گذاشتید.

پی‌نوشت:

* دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی